

لئوناردو داوینچی

قصه‌ها و افسانه‌ها

ترجمه لیلی گلستان



فهرست مطالب

۱۳	برف
۱۵	روباه و زاغ
۱۷	عنکبوتی در سوراخ کلید
۱۹	سپهره
۲۱	درخت هلو
۲۳	ماده شیر
۲۴	قو
۲۶	صدف و خرچنگ
۲۷	درخت انجیر
۲۹	عنکبوت و انگور
۳۱	زنبق سفید
۳۲	خر و یخ
۳۳	درخت غان، درخت مورد
۳۳	و درخت گلابی
۳۵	شتر
۳۷	صدف و موش
۳۹	موش، راسو، گربه
۴۰	کلنگ‌ها
۴۲	زبان و دندان‌ها
۴۴	فیل

۹۱	موش کور
۹۲	بید و کدو تنبل
۹۵	نارون و درخت انجیر
۹۶	عقاب و جغد
۹۸	عنکبوت و زنبور زرد
۹۹	میمون و پرنده کوچک
۱۰۱	درخت گردو
۱۰۳	خرچنگ و صخره
۱۰۵	درخت سدر
۱۰۷	کبک‌ها
۱۰۹	خروس و شیر
۱۱۰ و غمگین‌ترین
۱۱۱	تمساح عجیب
۱۱۲	سارها و جغد
۱۱۴	مار و پرنده‌ها
۱۱۶	کرم ابریشم
۱۱۷	تک شاخ
۱۱۹	مرگ عقاب

۴۷	درخت شاه بلوط و درخت انجیر
۴۹	شعله‌ها و شمع
۵۱	گیاه و داربست
۵۲	تیغ
۵۴	شیر
۵۵	سیلاب
۵۶	پلیکان
۵۸	مورچه و دانه جو
۶۰	یاس سفید و توکا
۶۲	گرگ
۶۳	تور
۶۶	گل ساعتی
۶۷	پروانه و نور
۶۹	پشم گوسفند و شپش
۷۱	قایم
۷۲	آب
۷۳	مو و مرد کشاورز
۷۴	سنگ چخماق و تفنگ
۷۵	قورباغه خسیس
۷۶	گاو وحشی
۷۸	سنگ و جاده
۸۰	گردو و ناقوس
۸۲	درخت سدر و بقیه درخت‌ها
۸۴	مرغابی و باز
۸۶	شعله‌ها و دیگ
۸۸	مو و درخت پیر
۹۰	شیر و بره

لئوناردو نابغه خیالپرداز

لئوناردو داوینچی، به قول همزمان‌هایش شخصیتی بحث‌برانگیز بود و بسیار هم در باره‌اش بحث شد.

لئوناردوی نقاش را مردم نمی‌پسندیدند، چون هرگز آثاری را که اقدام به خلقشان می‌کرد به پایان نمی‌رسانید. مردم معتقد بودند لئوناردوی مجسمه‌ساز شهرتش را ضایع کرد چون هرگز مجسمه عظیم فرانسوا سفورتزای سوار بر اسب را به مرحله قالب‌گیری نرساند.

لئوناردوی معمار، افراطی به حساب می‌آمد و مردم از ته دل معتقد بودند لئوناردوی دانشمند یک دیوانه بیش نیست.

اما رقبایش با وجود تمام حسادت‌هایی که به او داشتند در موضوعی به توافق رسیده بودند: لئوناردو، قصه‌گوی فوق‌العاده‌ای بود و با ظرافت کلام و اصالت نوشته‌هایش، باعث جلب و جذب اطرافیانش می‌شد.

هنگامی که در باره علوم سخن می‌گفت، دهان دانشمندان را می‌بست، و وقتی در باره فلسفه بحث می‌کرد، فلاسفه را مجذوب خود می‌ساخت. و زمانی که افسانه و قصه تعریف می‌کرد، نجبا مدح و ستایشش می‌کردند.

خلاصه کلام، او مورد توجه تمام طبقات اجتماعش بود و هرگز هم شنوندگانش را فریب نمی‌داد که آن هم از قدرت تخیل فوق‌العاده غنی‌اش سرچشمه می‌گرفت.

مردم روزگار ما بر این عقیده‌اند که او اندوخته‌ای بی‌پایان از قصه‌های کوتاه و «هزلیات» داشت.